

نقش ژئوپلیتیک شیعه با گسترش ایدئولوژی انقلاب اسلامی در کیفیت امنیت

مرزهای جمهوری اسلامی ایران

سیدرحیم صادقی^۱، مهدی خانجانی^۲

تاریخ پذیرش: ۱۳۹۸/۱۰/۰۸

تاریخ دریافت: ۱۳۹۸/۰۵/۱۱

چکیده

موفقیت اسلام شیعی در ایفای نقش ایدئولوژی انقلاب در ایران، تشیع را به عنوان مهم ترین عنصر اثرگذار در سطح ژئوپلیتیک شیعه و جهان اسلام مطرح کرده است. با قدرت گرفتن ایران در منطقه و به قدرت رسیدن شیعیان در عراق و همچنین افزایش محبوبیت «حزب الله» لبنان و یمن، دیگر نمی توان قدرت شیعیان را نادیده گرفت. قدرتی که با تلفیق ایدئولوژی انقلاب و فلسفه فکری شیعه متحول شده است. ایدئولوژی انقلاب اسلامی ایران توانسته با این پیوند عمیق پیروان بی شماری در جهان پیدا کند. گروه های آرمانگرای اسلامی که با ایدئولوژی انقلاب ایران جان تازه گرفته اند و توانسته اند سد محکمی در برابر دشمنان انقلاب ایجاد نمایند که به سبب آن امنیت مرزهای ایران اسلامی را در پی داشته است.

این مقاله با روش توصیفی-تحلیلی در پاسخ به این پرسش است که اساساً نقش ژئوپلیتیک شیعه با گسترش ایدئولوژی انقلاب اسلامی در کیفیت امنیت مرزهای جمهوری اسلامی ایران چیست؟ نتایج تحقیق نشان داد نقش ژئوپلیتیک شیعه با گسترش ایدئولوژی انقلاب اسلامی باعث ارتقای امنیت مرزهای ایران می شود. پیوند گروه های آرمانگرا با ایدئولوژی انقلاب اسلامی توانسته منافع ایران را در کیلومترها دورتر فراهم کند. اگرچه حراست از مرزهای جغرافیایی ترسیم شده بر روی نقشه یک کشور امنیت را برای آن فراهم می نماید، ولی انتقال کنش متقابل بین ایدئولوژی انقلاب اسلامی با سایر ایدئولوژی ها در خارج از حدود مرزهای سیاسی امنیت مرزهای جمهوری اسلامی ایران به دنبال خواهد داشت.

واژگان کلیدی: ژئوپلیتیک شیعه، ایدئولوژی، مرز، امنیت، انقلاب اسلامی.

۱- دانشجوی دکترا، مدیریت ورزشی، دانشگاه صنعتی شاهرود (نویسنده مسؤول) rahim.seyed.65@gmail.com

۲- کارشناسی ارشد مدیریت دفاعی، دانشکده فرماندهی و ستاد نجا

مقدمه

ماهیت متفاوت انقلاب اسلامی ایران نسبت به سایر انقلاب‌ها باعث ایجاد تأثیرات و بازتاب‌های متفاوتی در منطقه و نظام بین‌الملل شد؛ زیرا از یک طرف اسلام سیاسی را در اوج مدرنیته شدن جهان باز تعریف می‌نمود و از طرف دیگر عناصر فکری جدیدی مثل آزادی و استقلال، مردم‌سالاری، استکبارستیزی را در ترکیب فکری و فرهنگی خود به همراه داشت که گفتمان انقلاب اسلامی را در فرایند مدرنیته شدن جهان، در منظومه معنایی خود قرار داده بود. انقلاب اسلامی ایران در ایجاد و تقویت اعتماد به نفس مسلمانان اعم از سنی و شیعه، بدون توجه به ملیت یا تمایلات سیاسی آنها نقش پررنگی داشته است. این تجدید حیات اسلامی به شکل‌های گوناگون و با بیان عقایدی مرتبط با یکدیگر تجلی یافته، نیروی مردمی ناشی از بیداری اسلامی، مرزهای جغرافیایی را در هم نوردیده و از ایدئولوژی‌های سیاسی و نظام‌های ملی فراتر رفته است. تفسیر انقلابی از آموزه‌ها و مبادی نظری و اعتقادی شیعه توسط امام خمینی (ره) ایدئولوژی انقلاب را در ایران مهیا کرد. وقوع انقلاب اسلامی ایران و تحقق عینی حاکمیت تشیع در ایران، افق‌های تازه‌ای به روی شیعیان منطقه گشود و روحیه مبارزه با وضع موجود را به سایر شیعیان القا کرد و در احیای هویت سیاسی شیعه مؤثر بود. این طرز تفکر در بین شیعیان ایران باعث شد گفتمانی جدید در شیعیان منطقه به وجود آید. و با نام ژئوپلیتیک شیعه در منطقه و جهان معرفی گردد.

در سطح امنیتی انقلاب اسلامی ایران این ایده را پیش کشید که راه امنیت در منطقه، عدم دخالت قدرت‌های فرا منطقه‌ای و غیر قابل اعتماد بودن آنها برای ملت‌های مستقل است. با توجه به این‌که شیعیان پس از انقلاب اسلامی، هم به‌عنوان عنصر ژئوپلیتیک داخلی و هم به‌عنوان عنصر ژئوپلیتیک خارجی، منافع غرب را در

منطقه تهدید می‌کند، شیعیان یکی از عوامل مهم در تعیین معادلات سیاسی - امنیتی منطقه به شمار می‌روند.

برزگر در مقاله‌ای با عنوان «نظریه پخش و بازتاب انقلاب اسلامی» در ارتباط با تأثیر انقلاب اسلامی چنین گفته است: به نظر می‌رسد معمای چگونگی اشاعه و بازتاب انقلاب اسلامی در سطح تحلیل منطقه‌ای و بین‌المللی و جستجوی الگوی تبیین مناسب، محقق را بر آن داشت تا بتوان نظریه پخش را در بازتاب منطقه‌ای و بین‌المللی انقلاب اسلامی مورد سنجش قرار دهد. او با قالب‌بندی انبوه مواد خام در باب تأثیر انقلاب اسلامی بر سایر کشورها و مناطق و نه جنبش‌های اخیر در درون این کشورها، بر اساس نظریه پخش، انقلاب اسلامی را مؤثر و کانون تأثیرات می‌داند (برزگر، ۱۳۸۲: ۶۳).

روش تحقیق: پژوهش حاضر به روش توصیفی-تحلیلی انجام شده و از دید نوع پژوهش، کاربردی به‌شمار می‌رود. شیوه گردآوری اطلاعات کتابخانه‌ای است و از کتب، مجله‌ها و پایگاه‌های مختلف اینترنتی استفاده شده است.

ژئوپلیتیک شیعه: نورتون^۱ در مقاله‌ای با عنوان «ژئوپلیتیک شیعه و شکاف میان اهل سنت و تشیع»، اصطلاح ژئوپلیتیک شیعه را به معنای بازیگری و تأثیرگذاری کشورها و گروه‌های معتقد به مذهب شیعه در عرصه سیاست تعریف کرده است (نورتون، ۲۰۱۵). الحادف در کتاب «ژئوپلیتیک جنگ داخلی در کشورهای شیعه‌نشین»، ژئوپلیتیک شیعه را «تعریف مفهومی و عملیاتی قدرت، سیاست و حکومت از طریق منابع مذهب شیعه و تلاش برای گسترش آن در سطح منطقه و جهان» عنوان کرده است (الحادف، ۲۰۱۶). به باور بسیاری از محققان، ژئوپلیتیک شیعه و هلال شیعی مفهوم واحدی نیستند. ژئوپلیتیک شیعه را باید واقعیتی جغرافیایی دانست، در حالی که هلال شیعی امری ایدئولوژیک و ساخته ذهن

غریبان و متحدان منطقه‌ای آنها در خاورمیانه است (ضرقامی و همکاران، ۲۰۱۴: ۲۱۲).

ایدئولوژی: ایدئولوژی عبارتست از «مجموعه اندیشه‌ها و عقایدی که به توجیه منافع گروه‌های غالب کمک می‌کنند» (گیدنز، ۲۰۰۶: ۱۰۲۰). ایدئولوژی عبارتست از «نظامی از اندیشه‌ها که به ظاهر خردمندانه است اما در حقیقت، واقعیت‌یابی توهم را وعده می‌دهد (شایگان، ۱۳۸۹: ۲۰۳). تری ایگلتون^۱ در کتاب خود شانزده کاربرد کلی و متفاوت واژه ایدئولوژی را بر می‌شمرد. او این کاربردهای شانزده‌گانه را در قالب شش تعریف کلی و مرتبط به هم خلاصه کرده است. ایگلتون معتقد است واژه ایدئولوژی می‌تواند معانی زیر را داشته باشد:

- فرآیند مادی تولید اندیشه‌ها، عقاید و ارزش‌ها در زندگی اجتماعی؛
- اندیشه‌ها و باورهایی که نماد تجارب زندگی یک گروه یا طبقه برجسته اجتماعی هستند؛

- گسترش و مشروعیت‌بخشی به منافع یک گروه یا طبقه برجسته اجتماعی؛
- گسترش و مشروعیت‌بخشی به یک قدرت اجتماعی مسلط؛
- اندیشه‌ها و باورهایی که با ایجاد تحریف به منافع یک گروه حاکم مشروعیت می‌بخشند؛

- باورهای نادرست یا فریبنده‌ای که نه از گروه حاکم، بلکه از کلیت ساختار اجتماعی ناشی می‌شوند (ایگلتون، ۱۹۹۱: ۳۰-۲۸).

مرز، خطی اعتباری و قراردادی است که حدود یک واحد سیاسی-فضایی بر روی زمین را مشخص می‌کند. مرزهای سیاسی مهم‌ترین عامل تشخیص و جدایی واحدهای سیاسی-فضایی در گستره کشور و حتی فراتر از کشورها هستند.

حکومت‌ها همواره می‌کوشیدند گستره کالبدی قدرت خود را مشخص کنند. از این رو، مفهوم مرز برای اثبات حاکمیت و روابط آن با کشورها و حکومت‌های دیگر لازم و ضروری است (شوتار، ۱۳۸۶: ۱۹۰).

امروزه به جای این‌که فقط مباحثی درباره تکامل یک خط مرزی خاص و ویژگی‌های درونی آن توصیف شود، بیشتر تأثیر مرزها بر الگوهای میان‌کنشی فضایی (جریان کالا، افکار و حرکت مردم)، طرز تلقی مرزنشینان، درجه نفوذپذیری مرزها (مانند نفوذپذیری در یک دوره و نفوذناپذیری در یک دوره دیگر) و تأثیر مرزها بر مناطق پیرامون‌شان مورد توجه جغرافی‌دانان سیاسی است. از این رو، می‌توان گفت با وجود تحولات صورت گرفته جنبه‌هایی از مطالعات مرزی و قدیمی کم اهمیت و جنبه‌های دیگر و بعضاً جدید، مهم‌تر شده‌اند. بر این اساس، جغرافی‌دانان سیاسی باید بر مطالعه مرزها به‌عنوان یک عنصر خاص فضایی، جغرافیایی، سیاسی و اجتماعی که ارتباط نزدیکی با رشته جغرافیای سیاسی دارد، متمرکز شوند. در واقع، گسترش سریع اطلاعات و جهانی‌شدن نظام اقتصادی و اقتصادی شدن نظام جهانی و فزونی گرفتن گروه‌بندی‌های منطقه‌ای و جهانی سبب شده جنبش‌های استقلال‌خواهی مبتنی بر هویت ملی و ناحیه‌ای جداگانه نیز با شتاب گسترش یابد (حافظ‌نیا و جان‌پرور، ۱۳۹۲: ۷۸).

مقاومت ژئوپلیتیک جهان اسلام مربوط به جنبش‌های کنونی است که از سال ۲۰۱۰ میلادی در محدوده‌ای از خلیج فارس تا شمال آفریقا در کشورهایی همچون تونس، مصر، لیبی، یمن و... رخ داده است. عوامل مختلفی در وقوع مقاومت در این دوره دخیل است که با تأکید بر سخنان رهبر معظم انقلاب اسلامی به طور مختصر در زیر به آن پرداخته می‌شود:

اول، وجود حکومت‌های وابسته به غرب و آمریکا: یکی از مسائلی که باعث نارضایتی مردم از حکومت‌های موجود در سرزمین‌های عربی گردیده و هویت و

عزت اسلامی آنها را خدشه‌دار نموده است، وابستگی حکومت‌های آنها به غرب و خصوصاً ایالات متحده می‌باشد؛ رابطه‌ای که همراه با در نظر گرفتن منافع رژیم صهیونیستی بوده است.

دوم، بی‌توجهی به مسأله فلسطین و رابطه با رژیم صهیونیستی: فلسطین بخش مهمی از عزت و هویت مسلمین را تشکیل می‌دهد؛ لذا بی‌توجهی به این مسأله از سوی رهبران عربی نیز یکی دیگر از عوامل اصلی وقوع نارضایتی و نهایتاً قیام علیه حکومت‌های این مناطق بوده است.

سوم، وجود حکومت‌های سکولار: یکی دیگر از دلایل قیام‌های اخیر وجود حکومت‌های سکولار در منطقه خاورمیانه و شمال آفریقا می‌باشد. لذا در پاسخ به سیاست‌های دین‌ستیزانه حکومت‌های عربی، قشرها و گروه‌های مسلمان مبادرت به قیام علیه این حکومت‌ها نمودند. مؤید این امر استفاده از شعارهای اسلامی در جریان قیام‌ها، تأکید بر اصول و ارزش‌های اسلامی مانند حجاب پس از سقوط حکومت‌های سکولار و استقبال‌های اسلام‌گرا می‌باشد. در واقع پیام اصلی این قیام‌ها برای احزاب و گروه که مقام معظم رهبری فرموده‌اند چیزی جز «برافراشتن پرچم اسلام که عقیده عمیق و دل‌بستگی دیرین مردم است» نبوده است (مسعودنیا، حسین و خانی، اعظم ۱۳۸۵: ۲۹-۲۱).

بنابراین، با وقوع قیام‌های سال ۲۰۱۱، در ژئوپلیتیک شیعه شاهد حرکت به سمت عظمت و شکوه دوباره این منطقه هستیم که البته این قیام‌ها و جنبش‌ها در این مسیر با آسیب‌های مختلفی مواجه بوده و هستند که عدم غلبه بر این آسیب‌ها خصوصاً آسیب‌های خارجی مانند روی کار آمدن عناصر متعهد به غرب و آمریکا، ارایه الگوهای حکومتی انحرافی از سوی کشورهای خارجی، ایجاد ناامنی داخلی، تهاجم تبلیغاتی و رسانه‌ای مانند جلوه دادن انقلاب‌های مردمی به نام انقلاب

آمریکایی دموکراسی خواه و نادیده گرفتن فریاد اسلامی ملت‌ها، می‌تواند به احیای دوباره عظمت و اقتدار اسلامی در این منطقه خلل وارد نماید (همان: ۳۳-۴۳).

دیپلماسی دفاعی در جمهوری اسلامی ایران

رهنامه دفاعی جمهوری اسلامی ایران با رویکردی ارزش‌محور به توان و قدرت دفاع «همه جانبه مردمی» سازماندهی شده است. مبانی این رهنامه «اندیشه و باورهای اعتقادی و دینی»، «تدابیر و رهنمودهای فرماندهی معظم کل قوا»، «روح استقلال، خودباوری و خوداتکایی»، «فناوری‌های نوین»، «شرایط اقلیمی، ژئوپلیتیکی و ژئواستراتژیکی کشور»، «تجربیات دفاع مقدس»، «تجربیات جهان»، «ایده‌ها و نظریه‌های نخبگان دفاعی و امنیتی» و «تصورى از جنگ آینده می‌باشد. اصول اساسی آن «حفظ ارزش‌های حاصل از انقلاب اسلامی»، «جلوگیری از هرگونه جنگ و درگیری مسلحانه» و «آمادگی کشور برای دفاع از خود و استفاده از نیروی مسلح برای دفاع از منافع حیاتی» تعیین شده است (مینایی و همکاران، ۱۳۹۳: ۱۷).

گفتمان انقلاب اسلامی

انقلاب اسلامی ایران منجر به شکل‌گیری و عمومیت یافتن گفتمانی در ایران شد که دارای مختصات خاص خودش می‌باشد. گفتمان انقلاب اسلامی، که به نوعی تداوم حرکت انبیا و متصل به تعالیم آسمانی است، از ریشه و اساس با گفتمان‌های رقیب خود، مانند سوسیالیسم، کاپیتالیسم و صهیونیسم، تفاوت دارد. گفتمان اصلی انقلاب اسلامی در شعارهایی نهفته است که مردم در فروردین سال ۱۳۵۷ مطرح کردند.

شاخصه اصلی گفتمان انقلاب اسلامی برآمده از رهنمودهای امام خمینی (ره) را باید در پذیرش حکومت اسلامی والایی دانست که همه جهت‌گیری‌های فکری و ذهنی و کنش‌ها و رفتارهای فردی و اجتماعی آن معطوف به یک هدف والا و

مقدس (نه مادی گرایانه و قدرت محور) یعنی حکومت اسلامی است. اهمیت یافتن اسلام سیاسی که بنیانگذار کبیر انقلاب اسلامی به عنوان یکی از محورهای اصلی گفتمان انقلاب اسلامی معرفی نموده‌اند از آنجا نشأت می‌گیرد که جهان اسلام، اسلام سیاسی را به عنوان پدیده‌ای بومی می‌نگرد و آن را بازگشت به هویت گذشته اسلامی خویش تلقی می‌کند، با این تفاوت که حضرت امام(ره) با رد اسلام متحجرانه و ارتجاعی، برای پویایی این گفتمان و از باب باز بودن باب اجتهاد و نقش زمان و مکان در آن و مبانی اجتهاد شیعی و با رد ادعای گذر از فقه سنتی و تأسیس فقه پویا، لزوم تمسک به شیوه اجتهاد سنتی را ضمن توجه به مقتضیات زمان و مکان مطرح کردند. ایشان در این مقوله برآن هستند که در حکومت اسلامی همیشه باید باب اجتهاد باز باشد و طبیعت انقلاب و نظام همواره اقتضا می‌کند که نظریات اجتهادی- فقهی در زمینه‌های مختلف عرضه شود (سید روح‌الله خمینی، ۱۳۶۹: ۲۴۱).

همین امر سبب شد که آرای سیاسی حضرت امام خمینی حتی در عرصه‌های بین‌المللی نیز تأثیرات عمیقی در برداشته باشد و این متأثر از شعار محوری نهضت اسلامی ایران یعنی استقلال، آزادی و جمهوری اسلامی بوده است. به گونه‌ای که این ابعاد سه گانه، چه در سطوح فردی یا جمعی، در لایه‌های فرو ملی و فرا ملی مطرح گردید و این گفتمان همانند جریان آزاد سیالات براساس این قاعده که اندیشه، مرز نمی‌شناسد وارد عرصه روابط بین‌الملل و معادلات قدرت جهانی گردید. از همین رو، دال مرکزی گفتمان انقلاب اسلامی، اسلام است (قاسمی، ۱۳۹۶).

سطوح تأثیرگذاری انقلاب اسلامی در محور مقاومت

از مهم‌ترین اهداف و آرمان‌های انقلاب اسلامی ایران عبارت است از گسترش عدالت، نفی ظلم و ستم، حمایت از ستم‌دیدگان و مظلومین و نفی استکبار و... در این زمینه مسأله حمایت از مستضعفین در قبال مستکبرین جهان بسیار اساسی می‌باشد و مورد توجه اساسی رهبر انقلاب اسلامی بوده، به طوری که ایشان چند ماه بعد از به ثمر رسیدن انقلاب، لزوم تأسیس حزب جهانی به نام «حزب مستضعفین» را مطرح کردند. در اصل ۱۵۴ قانون اساسی نیز در خصوص حمایت از مستضعفین آمده است: «جمهوری اسلامی ایران... در عین خودداری کامل از هرگونه دخالت در امور داخلی ملت‌های دیگر از مبارزه حق طلبانه مستضعفین در برابر مستکبرین در هر نقطه از جهان حمایت می‌کند» (قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران).

امام خمینی (ره) در این خصوص فرموده‌اند: «ما می‌خواهیم این چیزی که در ایران واقع شد و این بیداری که در ایران واقع شد و خودشان را از ابرقدرت‌ها فاصله گرفتند و دست آنها را از مخازن خودشان کوتاه کردند، این در همه ملت‌ها و در همه دولت‌ها بشود. معنی صدور انقلاب ما این است که همه ملت‌ها بیدار بشوند و همه دولت‌ها بیدار بشوند و خودشان را از این گرفتاری که دارند و از این تحت سلطه بودن که هستند... نجات بدهد. معنای صدور انقلاب این است که معنویت موجود در ایران را گسترش دهیم (آیین انقلاب اسلامی، ۱۳۷۳: ۴۱۷-۴۱۵).

نظام سیاسی ایران با ویژگی منحصر به فردی از ظرفیت تأثیرگذاری بر محیط پیرامون برخوردار بوده که در این جا به سه محیط داخلی، منطقه‌ای و بین‌المللی اشاره می‌گردد.

۱- محیط داخلی، در سطح محیط داخلی از جمله تأثیرات عبارت است از: برقراری وحدت و اعتماد ملی، توسعه دانایی‌محور که نواندیشی دینی را تشویق

نموده، جنبش نرم‌افزاری با ویژگی‌های جرئت علمی، نفی تقلیدپذیری، رعایت ارزش‌های دینی و...

۲- محیط منطقه‌ای: در سطح منطقه‌ای یعنی منطقه شیعه‌نشین و اسلامی این تأثیرات عبارت است از: بازسازی تمدن اسلامی و ارتقای خودباوری فرهنگی به ملت‌های مسلمان؛ ارتقای بیداری اسلامی و تأکید بر وحدت جهان اسلام، این امر موجب ایستادگی آنان در برابر استبداد داخلی و استعمار خارجی گردید؛ احیای هویت جهان اسلام با شاخص‌هایی همچون حمایت از مستضعفان، حق‌گرایی، نفی گرایش‌های غرب؛ محوریت ایران در ثبات منطقه‌ای و جهانی کردن مبارزه با صهیونیسم با اعلام روز جهانی قدس از سوی امام خمینی (ره).

۳- محیط بین‌المللی: در سطح بین‌المللی این تأثیرات عبارت است از: به چالش کشیدن سلطه فرهنگی غرب از طریق تفکرات رهایی‌بخش و استکبارستیز، اعطای خودباوری به ملت‌ها و معرفی اسلام به‌عنوان یک شیوه زندگی؛ گشایش جبهه ثالث در نظام بین‌الملل، از طریق حمایت از حرکت‌های استقلال طلبانه و تشویق ملت‌ها به معنویت؛ پرچمداری انقلاب فرهنگی جهانی با شاخص‌هایی همچون تأکید به معنویت، وحدت اسلامی، فرهنگ استقلالی و بومی و غیره (دهشیری، ۱۳۹۱: ۱۳۶-۱۱۲).

در خصوص محیط منطقه‌ای یعنی محیط جغرافیایی شیعیان باید گفت از نظر جغرافیایی پس از ایران بیشترین شیعیان در کشورهای زندگی می‌کنند که عمدتاً در اطراف ایران هستند و بیشتر آنها با ایران پیوستگی جغرافیایی دارند. عراق، بحرین، آذربایجان، عربستان، ترکیه، پاکستان، افغانستان، امارات، کویت، قطر و عمان از جمله این کشورها به شمار می‌آیند. علاوه بر اینها کشورهایی هستند که جمعیت قابل ملاحظه‌ای از شیعیان در آنها زندگی می‌کنند اما در پیوستگی بلافصل ایران قرار ندارند. این گروه از کشورها نیز از این نظر که همگی در قاره آسیا

واقع‌اند، با هم وجه اشتراک دارند. لبنان، یمن، سوریه، هند، تاجیکستان و ازبکستان از جمله این کشورها هستند. به این مناطق شیعه نشین باید شیعیان پراکنده در سایر نقاط جهان را نیز اضافه نمود؛ شیعیانی که در خارج از قاره آسیا و عمدتاً در آفریقا، اروپا و آمریکا زندگی می‌کنند (احمدی، ۱۳۸۹: ۴۸).

در خصوص جنبش‌ها و انقلاب‌های اخیر در منطقه خاورمیانه و شمال آفریقا باید گفت ایران تنها در ژئوپلیتیک شیعه (بحرین و یمن) تأثیرگذار نبوده بلکه در ژئوپلیتیک اسلام نیز از جایگاه ویژه‌ای برخوردار است. متفکران عربی شرکت‌کننده در بیست و چهارمین کنفرانس وحدت اسلامی در سخنان خود تأکید کردند که حرکت میلیونی مردم در جهان اسلام، انعکاس پیروزی انقلاب اسلامی ایران به رهبری امام خمینی (ره) است که بعد از گذشت بیش از سی سال، اکنون بروز کرده است (همایش ژئوپلیتیک شیعه، ۱۳۸۹: ۱۷-۱۵).

بحران سوریه و نقش مؤثر جمهوری اسلامی ایران در این کشور برای ناکام گذاشتن طرح‌های ضد دولتی در سوریه نیز مجدداً زمینه را برای طرح هلال شیعی و مقابله با آن فراهم نمود. به‌عنوان نمونه از نظر روزنامه نیویورک تایمز، بحران سوریه مرحله سرنوشت‌سازی از مراحل تقابل ائتلافی سنی و ائتلافی شیعی است و برنده این میدان، جایزه استراتژیک و با ارزشی را به دست خواهد آورد (شیعه نیوز، ۱۳۹۱/۸/۹). در این زمینه مفتی وهابی عرعور، حامی تروریست‌های سوریه، در یک سخنرانی در شهر الجبیل به شیعه، ایران و حزب الله حمله نمود و اعلام نمود که پادشاه اردن ملک عبدالله ثانی در حدود هشت سال پیش و در یک گفتگو با روزنامه واشنگتن‌پست از تشکیل هلال شیعی گفت و این‌که نباید اجازه دهیم توطئه تشکیل هلال شیعی به سرانجام برسد (همان، ۱۳۹۲/۵/۱۵).

از آنجا که در مباحث ژئوپلیتیک، سه عنصر اصلی یعنی جغرافیا، سیاست و قدرت دارای خصلتی ذاتی می‌باشند، ژئوپلیتیک شیعه نیز باید با ارزیابی این سه

عنصر اساسی مطرح و معنی دار شود. عنصر اول جغرافیای به هم پیوسته و منسجم قلمروهای شیعی است که از قضا سرشار از قابلیت‌ها و منابع مختلف است. این عنصر، موقعیت، قلمرو و ظرفیت‌های جغرافیایی در زیستگاهی که شیعیان به صورت پیوسته و غیر پیوسته در آن زندگی می‌کنند را شامل می‌شود. در این فضای جغرافیایی، طبق بیشتر منابع آماری رسمی، تقریباً ۱۵۰ میلیون شیعه زندگی می‌کنند. که در واحدهای سیاسی متعددی توزیع شده‌اند (احمدی ۱۳۹۰: ۶۵). بنابراین، پیروان این مذهب که عدد قابل توجهی هستند، در قلمروهایی زندگی می‌کنند که از انسجام برخوردار بوده و واحدهای این پیکره جغرافیایی با هم در تعامل هستند. از طرفی دیگر جغرافیای قلمروهای شیعه‌نشین به گونه‌ای است که برای ایران و جوامع شیعی اطراف، ساختار مرکز-پیرامون را شکل داده و این امر، زمینه را برای نقش‌آفرینی مرکز در پیرامون و ابزار واکنش‌های مناسب پیرامون نسبت به مرکز را فراهم آورده است (احمدی ۱۳۸۹: ۶۹).

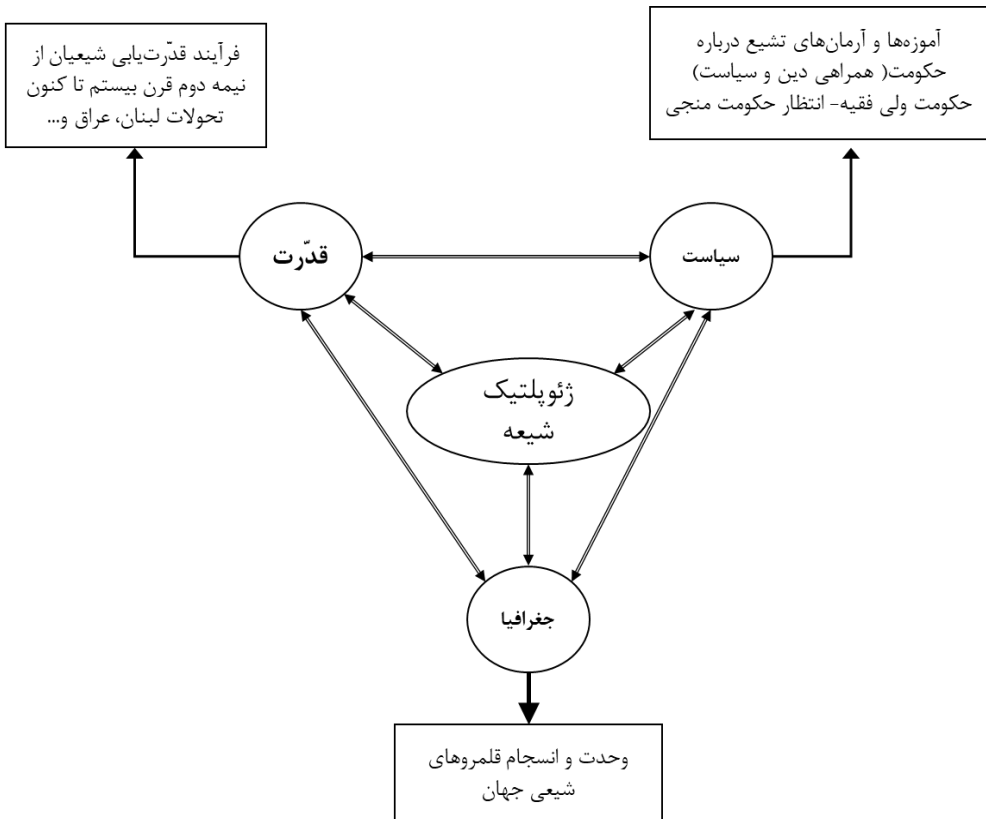
عنصر دوم به سیاست مربوط می‌شود. در این راستا، ابتدا باید یادآوری کرد که تشیع از ابتدای ایجاد، دارای انگاره‌ها و آموزه‌های سیاسی خاصی بوده که این ویژگی در طول دوره‌های تاریخی توانسته نقش‌آفرینی کند. این توان نقش‌آفرینی از معارف، آرمان‌ها و آموزه‌های اعتقادی عمیق تشیع نظیر عدالت، عاشورا، نفی سبیل، ولایت، انتظار و... منبث شده است؛ یعنی عواملی که گاه از آن با عنوان ارزش‌های شیعی یاد می‌شود (امیرزاده، زینالی، و زمانیان‌راد، ۱۳۹۵: ۱۲۴). به گونه‌ای که مجموعه این آرمان‌ها، آموزه‌ها و ارزش‌ها نوعی فرهنگ سیاسی در مردم و پیروان مذهب ایدئولوژی برخاسته از مذهب شیعه، در بطن خود» تشیع به وجود آورده است. به عبارتی دیگر، نوعی بالندگی و پویندگی قدرتمند به همراه دارد که می‌تواند در بین عوامل معنوی مؤثر، نقش برجسته و سرنوشت‌سازی داشته باشد. از مهم‌ترین ویژگی‌های آن، نفی سلطه‌گری و سلطه‌پذیری و ستمگری و

ستم‌پذیری است (اخوان کاظمی و شاه قلعه، ۱۳۹۳: ۱۴). بسیاری از اعتقادات مشترک شیعیان مانند اعتقاد به حضور منجی و اینکه مستضعفان وارث زمین خواهند بود و تاریخ مشترکی که شیعه در ظلم‌ستیزی و استکبار‌ستیزی و تسلیم‌نشدن در برابر حکام جور و ستم دارد، وحدت فرهنگی و هویت فرهنگی مشترکی را بین آنها ایجاد کرده است (رهبر، نجات‌پور و یزدان‌پناه، ۱۳۹۵: ۳۸).

عنصر سوم، قدرت است. شیعه با نقش‌آفرینی سیاسی خود پیوندی با مفهوم قدرت برقرار می‌کند. سازه شیعه برای بازیابی حقوق از دست رفته خود در تکاپوی قدرت است. علاوه بر آن، نقش‌آفرینی سیاسی شیعه با ساخت‌های قدرت ارتباط می‌یابد و آنها را تحت تأثیر قرار می‌دهد. نمود سیاسی شدن شیعه را می‌توان در پدیده انقلاب اسلامی به وضوح مشاهده کرد. هنگامی که شیعه توانست در فرایند سیاسی شدن، حکومت تشکیل دهد، به‌عنوان یک بازیگر رسمی در عرصه بین‌المللی مطرح شد. با قدرت‌یابی شیعه در ایران و تشکیل حکومت، شیعه وارد مناسبات قدرت شد و نقش تعیین‌کننده‌ای در مناسبات قدرت جهانی و منطقه‌ای پیدا کرد. به این ترتیب با وقوع انقلاب اسلامی در ایران، شیعه به‌عنوان عاملی تأثیرگذار در حیطه داخلی و خارجی کشورهای منطقه مطرح شد (مهکویی، باویر، ۱۳۹۵: ۲۲۵). به استثنای ایران، سوریه و تا حدی عراق پسا‌صدام، شیعیان در اغلب کشورها در اقلیت محسوسی از لحاظ سهم بودن در عرصه قدرت سیاسی - حکومتی قرار دارند. این شیعیان در همیشه تاریخ در محرومیت شدید قرار داشته‌اند و میزان سرکوب این اقلیت توسط اکثریت‌های سنی تا حدی بوده است که آنان را «مسلمان فراموش شده» می‌نامند (احمدی، ۱۳۹۷: ۵۸-۸۱). تأثیر انقلاب اسلامی ایران در ساختن یک حکومت شیعی مبتنی بر تئوری مذهبی، در سیاسی شدن جمعیت شیعیان و اصطلاحاً آنچه بیداری شیعی (احیای شیعی) نامیده می‌شود. آنان را به‌عنوان یک بازیگر داخلی در درون حکومت‌ها مطرح نمود

(نادری، ۱۳۹۳: ۱۳). این نقش آفرینی با ارتباط یافتن شیعه با ساختار قدرت با ترکیب سه مولفه جغرافیا، سیاست و قدرت مفهومی به نام ژئوپلتیک شیعه را شکل می‌دهد. در رویکرد ژئوپلتیک شیعه، دغدغه اساسی انقلاب اسلامی در جمهوری اسلامی که نماد سیاسی شدن شیعه است، اتحاد و عزت مسلمانان و نجات آنان از سلطه سیاست جهانی بوده است. حرکت سیاسی / مذهبی شیعه در ایران از طریق یادگیری و الگو برداری به دیگران منتقل شد و جنبش‌هایی بر پایه دین و مذهب برای به دست گرفتن حاکمیت و قدرت نه تنها در جهان اسلام، بلکه در سایر قلمروهای دینی جهان را باعث گردید (احمدی، ۱۳۹۷: ۵۸-۸۱).

مدل شکل‌گیری ژئوپلتیک شیعه



نکات مهم در مدل ژئوپلیتیک شیعه

در این مدل، نقطه آغاز، موج سیاسی شدن معاصر با هویت دینی و مذهبی در جهان، سیاسی شدن شیعه است. این مسأله یکی از نقش‌های ژئوپلیتیکی است که شیعه ایفا کرده است.

شیعه همچنین هدف اتحاد مسلمانان در جهت نجات از سیاست سلطه جهانی را دنبال کرده است. تلاش برای اثرگذاری بیشتر و گسترش حوزه نفوذ کانون قلمروهای شیعی، یعنی ایران نیز امری کاملاً طبیعی و پذیرفته شده در روابط بین‌الملل و به‌عنوان یک استراتژی کاربردی در راستای اتحاد و عزت مسلمانان و نجات آنان از سلطه جهانی عمل کرده است.

طبق این تعریف، ژئوپلیتیک شیعه در مقابل ژئوپلیتیک سنی قرار نمی‌گیرد. مفاهیم اصیل ژئوپلیتیک فرهنگی انقلاب اسلامی ناظر بر وحدت اسلامی و تشکیل حکومت جهانی اسلامی هستند نه تفوق شیعی بر جهان اسلام. بر اساس این تعریف، همه شیعیان بلکه کل جهان اسلام به یک حرکت واحد در مقابله با استکبار جهانی فراخوانده می‌شوند.

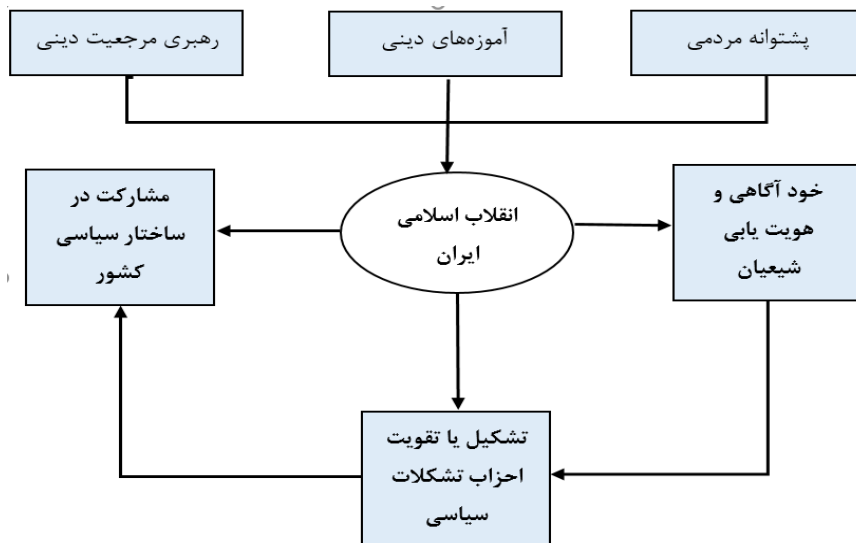
بر اساس این مدل، سیاسی شدن شیعه در دنیا و برخورداری تشیع از موقعیت ژئوپلیتیک، در چارچوب انقلاب اسلامی به‌عنوان یکی از بزرگ‌ترین رخدادهای نیمه دوم قرن بیستم معنا پیدا کرد. البته، انقلاب ایران یک انقلاب شیعی صرف نبود و دغدغه تمام مسلمانان و مستضعفان و آزادی‌خواهان جهان را داشت؛ ولی به‌طور طبیعی قلمروهای شیعی بیشتر تحت تأثیر آن قرار گرفتند و نسبت به آن واکنش نشان دادند.

با توجه به این تعریف جدید، ژئوپلیتیک شیعه نه به معنای امتداد جغرافیای سیاسی شیعیان در خارج از ایران است، نه معادل اصطلاح تخیلی و غیر علمی هلال شیعی و نه محدود در یک دوره تاریخی خاص. ژئوپلیتیک شیعه مفهومی است علمی با ابعاد و جنبه‌های مشخص که پس از انقلاب اسلامی در ایران و تحت تأثیر آن در منطقه غرب آسیا شکل گرفته است. بنابراین، شکل‌گیری ژئوپلیتیک شیعه مسأله‌ای ارادی و اختیاری نیست که به خواست ایران یا به ادعای دشمنان آن متولد شود. بلکه واقعیتهای علمی و طبیعی است و باید با این نگاه به آن نگریسته شود (همان: ۸۱-۵۸).

ژئوپلیتیک شیعه پس از شکل‌گیری سه مرحله تکاملی را سپری کرده است. مرحله اول هویت‌یابی و خودآگاهی شیعیان با پیروزی انقلاب اسلامی است که هویت دینی داشته است و بر اساس آموزه‌های اسلام شیعی بود و رهبری آن را یک عالم دینی یعنی امام خمینی (ره) بر عهده داشت. در این مرحله، به تدریج روحیه خودباوری و اعتماد به نفس شیعیان که رو به خاموشی می‌رفت تقویت شد. به عبارتی دیگر، انقلاب ایران در این مقطع زمانی موجب شهرت شیعه در جهان شد. مرحله دوم شکل‌گیری تشکلهای سیاسی بر اساس بیداری اسلامی ناشی از انقلاب ایران بود که با ارتقای سطح آگاهی و هویتی مسلمانان، تعداد قابل توجهی از احزاب و تشکلهای سیاسی در کشورهای منطقه، هم در میان جوامع شیعی مثل عراق، لبنان، بحرین و هم در جوامع غیرشیعی مثل فلسطین به وجود آمدند و یا تقویت شدند. مرحله سوم نیز نقش‌آفرینی شیعیان در ساختار سیاسی کشورها است که با ارتقای سطح فکری و تشکیلاتی شدن شیعیان منطقه رخ داد. آنان به تدریج توانستند در مسیر تکامل سیاسی گام بردارند و در ساختار سیاسی حکومت‌ها نقش‌آفرینی کنند. این مراحل نشان می‌دهد که چگونه مسلمانان و به خصوص شیعیان در اثر انقلاب اسلامی از روحیه انقلابی مردم ایران الهام گرفته و با

خودباوری و کشف هویت نیرومند خود در میدان سیاسی حرکت کرده‌اند (همان: ۵۸-۸۱).

مدل سیر تکاملی ژئوپلیتیک شیعه



«ژئوپلیتیک شیعه عبارت است از تلفیق ظرفیت‌های جغرافیایی مناطق شیعه‌نشین با آرمانها و آموزه‌های موجود در فرهنگ سیاسی تشیع که توانست آنرا در مسیر قدرت‌یابی قرار دهد و به برقراری مناسبات و تعاملات مرکز پیرامون در قالب تأثیرگذاری و تأثیرپذیری بین ایران به‌عنوان کانون قلمروهای شیعی و اقلیت‌های شیعی پیرامون ایران پس از انقلاب اسلامی منجر شود». بر اساس این تعریف، مفهوم ژئوپلیتیک شیعه محصول رخ دادن تحول بزرگی به نام انقلاب اسلامی در کانون جغرافیایی قلمروهای شیعی یعنی ایران است. با این دگرگونی کم‌نظیر، که به اعتقاد بیشتر صاحب‌نظران، مهم‌ترین رخداد نیمه دوم قرن بیستم بود،

تشیع در کشور بزرگی مثل ایران به قدرت سیاسی دست یافت. پس از آن، ایران با ماهیت انقلابی و شیعی، نقش آفرینی خود را در عرصه بین‌المللی و عمدتاً در تقابل با قدرت‌های بزرگ آغاز کرد. پشتوانه معارف غنی اسلام و تشیع که نظام اعتقادی عمیق رهبران و نیروهای انقلاب را شکل داده بود، قدرت مقاومت ایران را در مقابل ناملايمات بین‌المللی افزایش داد. علاوه بر آن، در کنار این رخداد سیاسی مهم، موهبت‌های خدادادی نظیر: موقعیت منحصر به فرد جغرافیایی در منطقه سرشار از انرژی خلیج فارس و نیز وجود اقلیت‌های شیعی در پیرامون، ایران را به بازیگری مهم در عرصه منطقه‌ای و جهانی تبدیل کرد. مجموعه این اتفاقات، در کنار تحولاتی که البته اهمیت کم‌تری نسبت به انقلاب اسلامی داشتند، مثل جنگ‌های داخلی لبنان، دست به دست هم داده و به مذهب شیعه ماهیت ژئوپلیتیک بخشیدند. بهره‌مندی از ماهیت ژئوپلیتیک برای یک مذهب به این صورت رخ می‌دهد که کانون نقش آفرینی جدید داخلی و بین‌المللی خود را آغاز می‌کند. اقلیت‌های فضایی پیرامون تحت تأثیر قرار گرفته و به سوی سیاسی شدن و تشکیلاتی شدن حرکت می‌کنند. تعاملات و مناسبات مرکز-پیرامون بین اقلیت‌ها و مرکز جغرافیایی آن مذهب تشدید می‌شود. به این ترتیب، حوزه نفوذ مرکز در مناطق پیرامونی گسترش پیدا می‌کند. به عبارتی دیگر، مرکز مکمل‌های فضایی اطراف را که از نظر مذهبی با او احساس سنخیت و اشتراک می‌کنند، جزو تعلقات ژئوپلیتیک خود به‌شمار می‌آورد و نسبت به مسائل آنها حساسیت نشان می‌دهد. طبق این مدل ایران نیز به‌عنوان کانون جوامع شیعی در جهان، پس از انقلاب اسلامی نقش آفرینی منطقه‌ای و جهانی خود را در این زمینه شروع کرد. فعالیت‌های مختلف آموزشی، فرهنگی، سیاسی، رسانه‌ای و... در خارج از مرزها، حاکی از عملکرد بین‌المللی ایران بعد از انقلاب است. اقلیت‌های شیعه نیز از انقلاب اسلامی تأثیر پذیرفتند و با خودآگاهی و هویت‌یابی، احزاب و تشکل‌های متعددی

را در کشورهايشان تأسیس کردند. به دیگر سخن، فضاهای اطراف ایران نیز در قالب لایه‌های پیرامون و نیمه پیرامون، از تحولات رخ داده در کانون متأثر شده و عمدتاً به سمت فعالیت و مشارکت سیاسی و قدرت‌یابی حرکت کردند (اسپوزیتو، ۱۹۹۹: ۱۰۵). مناسبات بین این اقلیتها و ایران هم به‌میزان قابل توجهی افزایش یافت. این مناسبات در شکل پذیرش دانشجو، گسترش رفت و آمدها، افزایش گردشگران زیارتی، راه اندازی نمایندگی‌های فرهنگی و ... قابل مشاهده است. این نمونه‌ها نشانه حضور و نقش‌آفرینی قابل توجه ایران در ماورای مرزهای ملی‌اش است.

حزب‌الله لبنان: حزب‌الله لبنان گروهی شیعی است که از درون جنبش امل متولد شد. جنبش امل سازمانی بود که امام موسی صدر در ۱۹۷۵م. / ۱۳۵۴ش. آن را بنیان نهاده بود. هدف او از ایجاد آن، بیش از هر چیز حفظ امنیت و تضمین موجودیت شیعیان بود. امل خواهان مقابله با اسرائیل بود، ولی از این‌که شیعیان در جنگ میان فلسطینی‌ها و اسرائیل قربانی شوند، اجتناب می‌کرد. امل و شیعیان هوادار موسی صدر در وهله اول به موجودیت خود می‌اندیشیدند و دوست و دشمن خود را با توجه به معادلات سیاسی در منطقه و در لبنان برمی‌گزیدند. با وقوع انقلاب اسلامی در ایران، این جنبش گسترش بیشتری یافت و از سال ۱۹۸۲م به یکی از بازیگران عمده سیاسی در لبنان تبدیل گردید. پس از اجرای توافق طائف ۲ در سال ۱۹۹۰م جنبش امل به جریان حاکم سیاسی جدید پیوست و اعضای آن صاحب مناصب سیاسی مهمی در کشور شدند. اما به تدریج برخی اختلاف نظرها در درون آن موجب انشعاب در امل شد. به‌گونه‌ای که سیدعباس

1- Esposito

۱- این پیمان با میانجی‌گری عربستان سعودی در شهر طائف و در خصوص بحران داخلی لبنان و به منظور بازنگری در میثاق ملی لبنان و ایجاد توازن میان قدرت مذاهب و طوایف در این کشور منعقد شد (مرکز‌الاستشارات و البحوث، ۱۳۸۸: ۴۶).

موسوی، یکی از اعضای آن، نبیه برّی، جانشین امام موسی صدر را به خاطر مواضع محافظه کارانه‌اش مورد انتقاد قرار می‌داد. این اختلاف نظرها به انشعاب انجامید و سیدعباس موسوی با جمعی از هم‌فکران خود گروه جدیدی را به نام «آمل اسلامی» پایه‌گذاری نمود. جنبش آمل اسلامی رقیب جنبش آمل نمی‌باشد، بلکه می‌کوشد اصالت حقیقی آمل را حفظ کند. آمل اسلامی بعدها به حزب‌الله پیوست (فوزی و هاشمی، ۱۳۹۴: ۳۳۸). جمعی از نیروهای شیعی که اکثراً روحانیون تحصیل کرده در قم یا نجف بودند به تدریج با تأثیرپذیری از اندیشه‌های امام خمینی و با متهم کردن آمل به محافظه‌کاری، اقدام به تشکیل حزب‌الله نمودند. فعالیت حزب‌الله در قالبی سازمان یافته به زمان دخالت‌های نظامی اسرائیل و آشفتگی‌های داخلی موجود در لبنان در اوایل دهه ۱۹۸۰م باز می‌گردد. در حقیقت، تهاجم اسرائیل به لبنان در سال ۱۹۸۲م را می‌توان عامل مستقیم پیدایش جنبش حزب‌الله لبنان دانست (عظیمی دولت‌آبادی و سیف، ۱۳۹۶).

حوثی‌های یمن

جمهوری یمن کنونی پس از اتحاد یمن شمالی و جنوبی در سال ۱۹۹۰م به وجود آمد و پایتخت آن، شهر صنعاست. یمن کشوری عربی در جنوب غربی آسیا و در جنوب شبه جزیره عربستان است. جمعیت آن در سال ۲۰۱۴م در حدود ۲۶ میلیون نفر بوده که از این تعداد ۹۹/۱٪ مسلمان (حدود ۶۵٪ سنی و ۳۵٪ شیعه) و ۰/۹٪ از سایر ادیان و مذاهب هستند (موسوی و باقری‌فر، ۱۳۹۴: ۲۱۱). از نظر فرهنگی یکی از افتخارات یمنیان این است که خود را تنها کشوری می‌دانند که بدون جنگ و خونریزی و با رسیدن حضرت علی(ع) به‌عنوان فرستاده ویژه پیامبر به یمن به اسلام گرویدند (عظیمی دولت‌آبادی و سیف، ۱۳۹۶). حوثی‌های یمن گروهی از شیعیان زیدی این کشور هستند و محل اصلی فعالیت آنان صعده است. آنان

حکومت یمن را حکومتی وابسته به غرب می‌دانند و از سال ۲۰۰۳م دست به مخالفت با حکومت یمن زده‌اند. شعار اصلی آنان «مرگ بر آمریکا»، «مرگ بر اسرائیل»، «نفرین بر یهود» و «پیروز باد اسلام» است. این شعارها را نخستین بار حسین الحوثی بر زبان آورد که البته ملهم از انقلاب اسلامی ایران است (موسوی و باقری فر، ۱۳۹۴: ۲۱۴). حوثی‌ها خود را مدافع جامعه شیعیان زیدی می‌دانند که تحت حملات شدید بوده و در خطر نابودی فرهنگی قرار دارند. از نظر آن‌ها اتحاد میان دولت یمن و سلفی‌ها تهدیدی بزرگ برای شیعیان و سنتشان می‌باشد. در واقع نیروهای حوثی بازوی مسلح شیعیان یمن هستند که در برابر تهاجمات دولت مرکزی از آنها دفاع می‌کنند (فوزی، ۱۳۹۱: ۲۵).

نتیجه‌گیری

هر جامعه‌ای در بقای خود نیازمند به یک شخص یا مقامی است که شعور و اراده وی فوق شعورها و اراده‌های افراد حکومت کرده باشد، شعور و اراده دیگران را کنترل نموده و به نگرهبانی و نگهداری نظامی که در جامعه گسترده شده است، بپردازد. این نقش مهم در انقلاب اسلامی ایران به عهده امام خمینی (ره) بود. نقش امام خمینی (ره)، به رهبری شخصی او محدود نمی‌شد، او همچنین مبدع یک نظریه سیاسی برای جنبش اسلام سیاسی بود. روحانیت شیعه با رهبری امام خمینی (ره) از طریق ارائه یک ایدئولوژی دینی توده‌گرا که برای مردم به منزله پناهگاهی مطمئن بود توانست رهبری جنبش را به دست بگیرد. مداخله روحانیت در سیاست بر اساس این عقیده توجیه می‌شود که آموزه‌های اسلام یک نظام اعتقادی فراگیر است که همه وجوه زندگی را فرا می‌گیرد. تفسیر انقلابی از آموزه‌ها و مبانی نظری و اعتقادی شیعه توسط امام خمینی (ره)، ایدئولوژی انقلاب را در ایران مهیا کرد.

با قدرت گرفتن ایران در منطقه و به قدرت رسیدن اکثریت شیعی در عراق و همچنین رشد روزافزون محبوبیت «حزب‌الله» لبنان در میان ملت‌ها و قدرت‌نمایی

شیعیان در بعضی از کشورهای منطقه از جمله یمن، دیگر نمی‌توان قدرت و حقوق شیعیان را نادیده گرفت و از این پس شیعیان یکی از شاخص‌های مهم ساختار منطقه‌ای در تعیین معادلات سیاسی و امنیتی منطقه خواهند بود.

توسعه ساختارهای اجتماعی، فرهنگی و سیاسی جامعه ایران چشم‌اندازی را پدید آورد که از دریچه آن می‌توان به انقلاب ایران نگریست. الگوبرداری از انقلاب ایران در موج بیداری اسلامی در منطقه غرب آسیا و شمال آفریقا باعث شکل‌گیری جریان‌هایی شد که منطبق بر ایدئولوژی شکل‌گیری شده در ایران بود. حزب‌الله لبنان و انصارالله یمن از جمله جریان‌های سیاسی منطقه هستند که بر اساس ایدئولوژی انقلاب اسلامی ایران شکل گرفتند و بالطبع دشمنان این ایدئولوژی نیز مشترک هستند. جریان‌های سیاسی گفته شده در منطقه غرب آسیا بازوان توانمند ایدئولوژی انقلاب اسلامی در مؤلفه‌های سیاسی و نظامی هستند که توانسته است دشمنان ایران را در آن سوی مرزهای ایران و در کرانه سواحل دریای مدیترانه و از سوی دیگر تا تنگه باب‌المندب تحقیر کند. اگرچه حراست از مرزهای جغرافیایی ترسیم شده بر روی نقشه یک کشور امنیت را برای آن فراهم می‌نماید و ایران در جنگ تحمیلی نشان داد که می‌تواند از مرزهای جغرافیایی خود دفاع کند، اما مبارزه با دشمنی مشترک در آن سوی مرزهای ترسیمی می‌تواند امنیت مرزهای ایران اسلامی را بالاتر ببرد. نتیجه این‌که گسترش ایدئولوژی ایران اسلامی در منطقه ژئوپلیتیک شیعه باعث ارتقای امنیت مرزهای جمهوری اسلامی ایران شده است. انتقال کنش متقابل بین ایدئولوژی انقلاب اسلامی با سایر ایدئولوژی‌ها در خارج از حدود مرزهای سیاسی امنیت مرزهای جمهوری اسلامی ایران را در بر داشته است.

منابع

- احمدی، سیدعباس. (۱۳۹۷). تبیین مفهوم ژئوپلیتیک شیعه، فصلنامه ژئوپلیتیک، ۱۴(۱). (۱۳۹۰).
- ایران، انقلاب اسلامی و ژئوپلیتیک شیعه، تهران: انتشارات اندیشه سازان نور. (۱۳۸۹).
- نقش دین در گسترش حوزه نفوذ؛ مطالعه موردی: تشیع و ایران، فصلنامه ژئوپلیتیک. ۶(۲).
- امیرزاده، رضا. زینالی، صادق و زمانبانی‌راد، حجت. (۱۳۹۵). نقش ارزشهای شیعه در دیپلماسی عمومی، فصلنامه ژئوپلیتیک. ۱۲(۲).
- اخوان‌کازمی، مسعود و شاه‌قلعه، صفی‌الله. (۱۳۹۳). تعریف مجدد از ژئوپلیتیک شیعه با نگاه به انقلاب بحرین، فصلنامه مطالعات شیعه، ۱۲(۴۵).
- برزگر، ابراهیم. (۱۳۸۲)، نظریه پخش و بازتاب انقلاب اسلامی، پژوهش حقوق ۸(۳۴).
- حافظ‌نیا، محمدرضا و کاویانی‌فرد، مراد. (۱۳۹۳). فلسفه جغرافیای سیاسی، چاپ اول، تهران: پژوهشکده مطالعات راهبردی.
- حافظ‌نیا، محمدرضا، جان‌پرور، محسن. (۱۳۹۲). مرزها و جهانی شدن، چاپ اول، تهران: پژوهشکده مطالعات راهبردی.
- حافظ‌نیا، محمدرضا. (۱۳۹۳). مصاحبه با فصلنامه جنگ فرانسه.
- جهان‌بزرگی، احمد. (۱۳۸۸). تحلیل گفتمانی نظریه انقلاب اسلامی، تهران: زمانه.
- دهشیری، محمدرضا. (۱۳۹۱). بازتاب مفهومی و نظری انقلاب اسلامی ایران در روابط بین‌الملل، تهران: انتشارات علمی و فرهنگی.
- رهر، عباس‌علی. نجات‌پور، مجید و یزدان‌پناه، محمد. (۱۳۹۵). ارزیابی تئوری ژئوپلیتیک شیعه در سیاست خارجی جمهوری اسلامی ایران، مجله رویکرد انقلاب اسلامی ۱۰(۳۶).
- شایگان، داریوش. (۱۳۸۹). آمیزش افق‌ها، گزینش و تدوین منصور هاشمی، تهران: نشر فروزان.
- شوتار، سوفی. (۱۳۸۶). شناخت و درک مفاهیم جغرافیای سیاسی، ترجمه سید حامد رضیئی، تهران: انتشارات سمت.
- ضرغامی، بازین. شوشتی، سیدمحمدجواد و انصاری‌زاده، سلمان. (۱۳۹۳). ژئوپلیتیک شیعه یا هلال شیعه (مبانی، اهداف و رویکردها)، فصلنامه تحقیقات جغرافیای انسانی ۴۶(۱).
- عظیمی‌دولت‌آبادی، امیر و سیف، زهره. (۱۳۹۶). بررسی مقایسه‌ای جنبش حزب‌الله لبنان و انصارالله یمن، فصلنامه اندیشه سیاسی در اسلام، ۱۱(۱).

- فوزی، یحیی. (۱۳۹۱). علل شکل‌گیری و ماهیت جنبش‌های سیاسی در خاورمیانه: بررسی موردی جنبش سیاسی در یمن، فصلنامه مطالعات جهان اسلام، ۱ (۱).
- فوزی، یحیی و هاشمی، سیدعباس. (۱۳۹۴). جنبش‌های اسلام‌گرای معاصر: بررسی منطقه‌ای، تهران: پژوهشکده امام خمینی (ره) و انقلاب اسلامی.
- قاسمی، بهزاد. (۱۳۹۶). تأثیر انقلاب اسلامی بر تحولات جغرافیای سیاسی محور مقاومت در مقابل غرب، بیداری اسلامی، دوره دوم ۴ (۵۱).
- مسعودنیا، حسین و خانی، اعظم. (۱۳۸۵). بیداری اسلامی در خاورمیانه و شمال آفریقا از منظر رهبر معظم انقلاب (مدظله‌العالی) بیداری اسلامی و تحولات منطقه‌ای، دکتر اصغر افتخاری (ویراستار علمی)، تهران: دانشگاه امام صادق (ع).
- ملک‌حسینی، محمدتقی. وطنی، علی. رضوی، محمد و آلوستانی، زینب. (۱۳۹۴). سنجش میزان احساس امنیت اجتماعی در بین مرزنشینان استان گلستان و راه‌های ارتقای آن، فصلنامه پژوهش‌نامه مطالعات مرزی، ۳ (۱).
- موسوی، سیدمحمد و باقری‌فر، محسن. (۱۳۹۴). نظریه سازه‌انگاری و بازتاب انقلاب اسلامی ایران بر جنبش انصارالله و انقلاب یمن، فصلنامه پژوهش‌های انقلاب اسلامی، انجمن علمی انقلاب اسلامی ایران، ۴ (۱۴).
- مینایی، حسین. حاجیانی، ابرهیم. دهقان بوده، حسین و جعفرزاده‌پور، فروزنده. (۱۳۹۳). ارزیابی اثر فرآیندهای مدیریت دانش در فعالیت‌های دیپلماسی جمهوری اسلامی ایران، فصلنامه راهبرد، ۲۳ (۷۰).
- همایش ژئوپلیتیک شیعه. (۱۳۸۹). اخبار شیعیان، ش ۸۴ و ۸۵.
- البراهه، سامی. (۲۰۱۱). الثورة التونسية افشلت جميع خطط الاستكبار العالمي.
- مهکویی، حجت و باویر، حسن. (۱۳۹۵). ژئوپلیتیک شیعه و نقش آن در روابط ایران پاکستان، فصلنامه مطالعات سیاسی جهان اسلام، ۵ (۱۸).
- موسوی خمینی، سید روح‌الله. (۱۳۶۹). شئون و اختیارات ولایت فقیه، تهران: وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی (۱۳۷۳).
- آیین انقلاب اسلامی گزیده‌ای از اندیشه و آرای امام خمینی (ره)، تهران: موسسه تنظیم و نشر آثار امام خمینی (ره).

نادری، احمد. (۱۳۹۳). از ژئوپلیتیک دولت محور گرفته تا ژئواکالکتیک مبتنی بر تمدن.

خاورمیانه؛ میدان نبرد تمدنها در میدان جنگ تمدنها، فصلنامه مطالعات قدرت نرم، ۴ (۱۰).

Alhadeff, Iakovos. (2016). *The Geopolitics of the Civil War of Shia Islam, Russia: Smash words*

Eagleton, T. (1991). *Ideology: An Introduction*. London And New York: Verso

Giddens, A. (2006). *Sociology (5th)*. Cambridge: Polity.

Norton, Augustus Richard. (2015). *The Geopolitics of Shia and the Sunni-Shia Rift, in Regional Insecurity after the Arab Uprisings: Narratives of Security and Threat*, Edited by Elizabeth Monier, UK: Springer